



موسیقی

The last 24 hours

آخرین ۲۴ ساعت جان لنون

Johnny Davis

Q magazine october 2005

ترجمه شروین شهامی پور

پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پخش کرد که در آن به تمام هواداران قول دادند به انگلستان برمی‌گردند؛ حقیقاً ۲۴ ساعت بعد رادیو ۱ آهنگ‌های جان لنون را پشت سرهم پخش می‌کرد. این بار حال و هوا فرق داشت. حالا ملت سوگوار بود. به جان لنون شلیک شده بود. جان لنون مرده بود. مثل اکثر روزهای پایانی ۱۹۸۰، هشتم دسامبر برای لنون روزی بود با فعالیت از سرگرفته‌اش. کمی پیش از ۷:۳۰ صبح نه وقت صبحی نیویورک با اسب‌خانه‌ای در کافه Fortuna هک پکنی از کافه‌های مسورد علاقش در وست ساید شروع شد. پس از آن

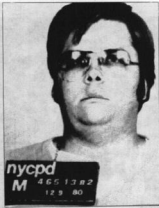
روز هشتم دسامبر ۱۹۸۰ جان لنون با شادی آلبوم باگفت خود، Double Fantasy را تبلیغ می‌کرد. در همان زمان مارک چپمن به سمت نیویورک پرواز کرد تا در گمنام قهرمانش بشنید. تلاقی مسیر آورد و بهامدی مرگبار داشت.

شنوندگان رادیو ۱ روز دوشنبه ۸ دسامبر ۱۹۸۰ با خبری غیرمعمول از خواب بیدار شدند: خبری دلگرم‌کننده در برنامه سنج‌گامی دیو ای. تی. لوپس. ۸:۱۵ صبح پیام کریسمس خوشحال‌کننده‌ای از طرف جان لنون و یوگو لونیو

ساعت ۹ به آرایشگاه محلی‌اش Veez A Veez در خیابان هفتاد و دوم غربی می‌رود. موهایش را مدل دهه پنجاه‌اش، روزهایی که با بیتلز در هامبورگ بود کوتاه می‌کند. لنون با یک پیاده‌روی کوتاه ساعت ۹:۴۵ به آپارتمانش در ساختمان داکوتا نیش خیابان هفتاد و دوم برمی‌گردد. ساعت ۱۰ به همراه یوگو مصاحبه‌ای با رادیو RKO در دفتر آپارتمانش انجام می‌دهند.

در مورد رابطه‌اش با یوگو می‌گوید: «حالا، مدت بیش‌تری نسبت به بیتلز با هم بودیم». می‌دونی؟

مردم همیشه فکر می‌کنند که جان و پوکو به هم رسیدند و بیتلز از هم جدا شد. از بیتلز بیشتر با هم بوده‌ایم؛ حال و هوای شاد و سرحال‌شان وقتی صحبت آلبوم بازگشت لنون به Double Fantasy که سه هفته پیش به‌طور همزمان در انگلستان و آمریکا بیرون آمده بود رسید تشدید شد. لنون می‌خواست آلبوم را تقدیم کند به تمام مرضی که با من بزرگ شدن، می‌خواهم بگم من این‌هاشم، حالتون چه‌طور؟ رولاستون چطور پیش می‌ره؟ دهه هفتاد مایه دردرس نبود؟ خوب حالا این جا هستیم، بیاین سعی کنیم و دهه هشتاد رو خوب بسازیم. چون هنوز به ما بستگی داره که ازش چی بسازیم. خارج از کنترل ما نیست. هنوز به عشق ایمان دارم. هنوز به سلح ایمان دارم. هنوز به مثبت فکر کردن ایمان دارم



مارک دیوید چپمن

رولاند استون نمی‌پوشید برای قراری که با لنون از ساعت ۲ تا ۳:۳۰ گذشته بود به داکوتا رفته. بیوتیز که به گرفتن عکس از سوزهای مشهورش به صورت برهنه شهرت داشت شنیده بود که از جان و پوکو اخیراً در حالی که واکمپد به معاشقه می‌کردند فیلم برداری شده. او برای این روی جلد مشهور به این ایده فکر کرده که بدن لنون را کنار پوکو که کاملاً لباس پوشیده عکاسی کند. لنون گفت: خوبه، لشکلی ندارم و بلافاصله لباس‌هایش را درآورد. در حالی که تست‌های پولاروید را تأیید می‌کرد به بیوتیز گفت: داین عالی‌ها و واقعاً رابطه ما همین طوره. قول بده که روی جلد باشم.

این آخرین عکسی بود که از این زوج کنار هم گرفته شد. تقریباً ۴ ساعت بعد از ظهر در حالی که گروه RKO هنوز دنبال‌شان بودند لنون و داکوتا به ترک کردند. یک لیوموزین سفارش داده بودند که آن‌ها را به Hit Factory ببرد. استودیوی وسیعی که در آن‌جا لنون قطعه Walking on thin ice را که تحت تأثیر دیسکو نوشته بود نهایی می‌کرد. وقتی از لیوموزین خبری نشد، لنون و آنتو تصمیم گرفتند با اتومبیل گروه RKO بروند. قبل از این یک هواپیمای امضاء می‌خواست خودش را به طرف لنون رساند. چیزی که اغلب اتفاقی می‌افتاد. او مارک چپمن بود. چپمن حدود ۱۱ صبح آن روز بیدار شد. او بیشتر یکشنبه بعد از ظهرها را به انتقال وسایلش از YMCA گذراند. از یک مرد هم‌چشم‌پوش از ترسیده بود. کسی که او را یاد Fillit انداخت که هولدن کافیلد، فرمان دستان تاتروشت اثر جی دی سلینجر را. کتابی که شیفته‌اش بود. مورد آزار جنسی قرار داده بود.

دهه قبل می‌رسید. در دهم می ۱۹۵۵ در فورث ورتز، کنکراس به دنیا آمد. با کودکی آرام و غیرقابل سرخ. از سن پانزده سالگی هم‌کلاس‌هایش می‌گفتند که تغییر کرد. موهایش را بلند و شروع به پوشیدن لباس‌های نظامی کرد. فکر می‌کرد که تخت خوابش سماو از هزاران آدام کوچک‌تره. استر به LSD روی آورد. در کالج دچار شرویشی و بعد یک مسی بازم دست‌نوا شد. از کسرکنی عشیق رنج می‌برد تا حدی که چندین بار دست به خودکشی زد. یکی از لذت‌های ادک چپمن موسیقی بود. پیش اسلم جسم‌معاش را بی‌تول تشکیل می‌داد. موهایش را مدل سرجای بیتلز زده بود و جینت گرد قاب فلزی به چشم می‌زد. حتی با John Abe زنی با تبار ژاپنی ازدواج کرد. می‌گفت که او را یاد پوکو اونو می‌اندازد.

چپمن اتفاقی در شرایطی در خیابان پنجاه و دوم، خیابان هفتم برای هفت شب به قیمت شمی ۸۲ دلار گرفت. در هتل پس از شام یکی از درختان‌ترین بخش‌های تاتروشت را با آوردن یک فاخته به اتاقش اجرا کرد. درست مثل کافیلد از آموزش پرهیز کرد و تا ساعت سه صبح با هم گپ زدند. چپمن به او ۱۹۰ دلار پول داد. صبح روز بعد لباس گرمی پوشید؛ یک زیرشلواری گرم‌کن، ژاکت، دستمال، کت و یک کلاه پر مصنوعی. پیش از این که اتاقش را ترک کند تمام دلایلی نفی‌ش را جمع کرد که خودش آن را یک نمایش، می‌نامید. این‌ها شامل: تصویری

روزی ۲۷ اکتبر به مقاله رفت و ۱۶۹ دلار برای یک چارتر کالیبر ۳۹ پرداخته. رولانو ۵ گلوله‌ای مورد علاقه کاراگاهان بود چون مخفی کردنش راحت بود. چهارشنبه همان هفته به‌صفت نیویورک پرواز کرد. ۵ روز بعدی داکوتا را زیر نظر گرفت ولی یکبار هم لنون را ندید. روی ۹ نواسر به وسیله دربان چی هستینگز مطلع شد که لنون مسافرت است. چپمن بیشتر و بیشتر پریشان شد. دو روز بعد به خانه تلفن کرد. گلواری جواب داد. او فریاد زد: نقشه کشیدم جان لنون رو بکشه! گلواری لشک دربان به او اطمینان می‌گفت که به خانه برگردد. بعد از ظهر روز هشتم دسامبر عکاس مجله

مارک دیوید چپمن ۲۵ ساله تمام عمرش هواپیمای لنون بود. آلبوم Double Fantasy را دو تا بعد از ظهر قبل از ۱۰ صبح در شهری در سیریا شست‌وسوم. ۱۰ بلوک پایین‌تر از داکوتا خریده بود. در کیف کوله‌پشتی‌اش ۱۲ ساعت موسیقی بیتلز روی نوار سوتی بود. چپمن که در هالولولو قامت داشت کمی پیش بعد از خواندن اولین مصاحبه بزرگ لنون پس از ۵ سال. تریک شده بود به نیویورک بیاید. به این نتیجه رسیده بود که مقاله چاپ شده در نیویورک در تاریخ ۲۹ سپتامبر لنون را به‌منوان یک دروغگو و آدم تقلبی معرفی کرد و او شروع کرد به گوش کردن دقیق موسیقی‌اش؛ در لشار در به در دنبال سرنجهایی می‌گشت که تئوری‌اش را حمایت کند. چسپلور زنگی می‌تولست در حالی که مثل یک میلیونر زندگی می‌کند تبلیغ عشق و صلح کند؟ ۱۸ اکتبر چپمن کتابی از آنتونی ناکوت در مورد لنون با عنوان John Lennon: One day at a time از کتابخانه عمومی هالولولو قرض گرفت. بعد خشمگین شد. تمام لنون فروش رفته بود. یک حقه‌باز (حقه‌باز) مسداق مورد مورد علاقه‌اش بود. تنها راهی که برای ساکت کردن هیاهوی کلماتش به فکرش رسید کشتن لنون بود. شروع کرد به آماده کردن لوازم ضروری برای سفر به نیویورک کرد و برای این کار ۵۰۰۰ دلار از پدرزنش قرض گرفت. پرونده آرزهای روانی چپمن به بیش از یک

از دورتسی از جادوگر شهر آژ، یک نوار هشت قسمتهای از آهنگهای Todd Rundgren، یک نسخه از عهد جدید که در آن نوشته بود هولدن کالیفیلد و اسلحه عنوان فاجعیل به روایت جان، با اضافه کردن کلمه فلنون، گذرانده باطل شده و یک معرفی نامه رسمی از YMCA.

بعد از این که از کارستیاش راضی شد رفت که نسخه جدیدش از صفحه Double Fantasy را بردارد. تخفنگ تنوی جیبیش بود. آن را در مقوا

پیچیده تا شکل ویژماش را مخفی کند. در مسیرش به سمت داکوتا یک نسخه شومیز از ناآوردشت خرید و در صفحه عنوانش نوشت بین بیاتمه من استه نقشه چمن این بود که پس از قتل در سکوت باقی بماند، معتقد بود هر چه پلیس می خواهد بداند در کتاب وجود دارد.

چیمین چند ساعت داکوتا را پاییده بود، با دربان خوزه سیردومو گپ زده بود، به تردهما تکیه داده و ناآوردشت می خواند و به طور اتفاقی با پل گورش، یک عکاس آماتور که آن حوالی پرسه می زد تا شاید بنواهد عکسی از لنون بیادارد، آشنا

شد. آلبوم Fantasy Double را نشانش داده بود و توضیح داده بود که می خواهد از جان لنون امضاء بگیرد.

چیمین وقتی لنون را دید آن قدر مات و میهوت شد که در جایش عسکن زد. کوروش منجیور شد، او برای جلو رفتن قوت قلب بهد.

جان لنسون از سر لطف نسخه Double Fantasy را گرفت و روی آن نوشت جهان لنون، ۱۹۸۰ عورش عقب رفت و عکس گرفت. در تصویر جان لنون روی جلد آلبوم خم شده و چیمین در پس زمینه به صورتی احقرانه لیختدی به پهنای صورتش زده. بعد لنون سوار ماشین شد و رفت.

چیمین از گورش می پرسد: «کلامم سرم بود یا نه؟ می خواستم کلاه سرم بانش. هیچ کس تو هواوی

باورش نمی شه»

در هیت فکتوری، رئیس David Gelfen آمده بود تا به اطلاع جان و یوگو برساند Fantasy Double پس از تنها سه هفته Gold شده است. سپس جان لنون به خالغاش می می Dorset تلفن می کند. بعدها می می یادآوری می کند که او خیلی خوشحال بود، شوخی می کرد و می خندید و منتظر بود که به انگلیس برگردد. مثل یک جان جدید بوده

ساعت ۱۰:۳۰ شب پس از چهار ساعت کار روی Walking on thin ice لنون رو به تهیه کننده Jack Douglas می کند و می گوید: «می تونیم تموش کنیم؟ می خواهم سرازه به چیزی بخوریم»



اصابت کرد و او را چرخاند. دو تای بعدی به شامش خورد. آخرین گلوله به هدف نخورد.

لنون که شدیداً خونریزی داشت تلوتلو خوردن شش قدم به سمت اتاق نگهبان داکوتا برداشت. لئون به طرف او دوید و در حالی که سرش را میان دستاش گرفته بود فریاد می زد «او تیر خورده او تیر خورده! کمک کنید!»

چی هستینگر نگهبان آن شب داکوتا به پلیس تلفن کرد. بعد یونیفورم آبی داکوتاه را درآورد و روی بدن لنون گذاشت. عسکنش را درآورد و به او اطعمان داد که کمک در راه است.

افسران استمو اسپرو و پمتر کالن از اداره پلیس نیویورک اولین نفران حاضر در صحنه بودند.

عکس العمل اولیه آن ها این بود که هستینگر را دستگیر کنند. دربان دوم تمصح می کند که «او این جا کار می کنده بعد به چیمین اشاره می کنده، «او بوده به نحوی باآوردشتی چیمین فرار نکرد و سمعت چپ سر در داکوتا ایستاده بود و دوباره ناآوردشت را می خواند. در حین که باس او را روی زمین

می خواباند گفت: «من مردی بزرگ و مردی کوچک درون خودم دارم. مرد کوچک کسی بود که ملشه را کشیده»

افسران بعدی بیل گمبل و جیمز موران رسیدند و به سراغ لنون بی ربق رفتند. در حالی که او را برمی گردانند تا میزان جراحت را ببینند پرسیدند: «لنسون چیه؟»

«لنون، جان لنون از بیتلز. فرصتی برای منتظر آمبولانس شدن نبود. گمبل و موران او را به طرف ماشین خود بردند. بهمارستان St Luke's Roosevelt در خیابان پنجاه و نه غربی کسی بیشتر از نیم مایل از آن جا فاصله داشت. موران آژیر را روشن کرد و گمبل سعی کرد لنون را هشدار نکه دارد.

جان لنون در کنار قاتلش، ۶ ساعت قبل از مرگ لئون بعدها به خاطر می آورد با این که تصمیم داشتیم در Stage Deli غذا بخوریم این کار را نکردیم. مستقیم به خانه رفتم تا پیششان بروم. پسر پنج ساله لنون ها بعد از ظهر را در داکوتا با هالن سمن همسر دستپار شخصی لنون گذرانده بود. روزهوی داکوتا لنون با بغلی پر از کاست - میوه های کار بعد از ظهر - و یک ضبط صوت از لیموزین پیاده شد. لئون چندین قدم عقبتر بود. در حینی که از سر در ورودی ساختمان وارد می شد چیمین از سابه بیرون آمد و صدا زد «قای لنون». قبل از این که موضعش را ثابت کند هر پنج گلوله اسلحه اش را خالی کرد. دو گلوله اول به پشت لنون



ساختنمان نا کوتله هم ۱ کتبر ۱۹۸۰

دوم متهم شد. تاریخ ۲۲ جولای ۱۹۸۱ برای تشکیل دادگاه تعیین شد. انتظار می‌رفت که او متوسل به دیوانگی شود. در عوض او به گناه خود اعتراف کرد. در ۲۵ اگوست او به ۲۰ سال تا حبس ابد محکوم شد و به او اعلام کردند که تا پیش از سال ۲۰۰۰ نمی‌تواند برای آزادی مشروط اقدام کند. او ۲۴ سال گذشته را در زندان انفرادی در زندان ایالتی AMICA نزدیک بوفاو، نیویورک گذرانده است. سه‌بار درخواست آزادی مشروط چینی طی چهار سال گذشته به علت جلد شدیداً مفرطه در شلیک به عضو سابق بیتلز رد شده است. در ۵ اکتبر ۲۰۰۴ چمن که حالا ۴۹ ساله است به اعضای کمیسیون علو مشروط گفت که او راکشته است چون می‌خواست شهرت لنون را از او بزدهد. می‌گوید، به نوعی هم موفق شده است. □

پرسید: «هنلورثان این است که خوبیده؟» مارک بوید چپمن در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۰ به ۳۳ درجه



- مطمئنی که جان لنون هستی؟
- بله هستم
- حالت چطوره؟
- درد دارم

کمتراز سه دقیقه پس از این که به بیمارستان رسیدند، لنون در اتاق جراحی اورژانس بود. دکترها خون بسیار زیادی تزریق کردند. ولی خیلی دیر شد. جان لنون به‌طور رسمی در ساعت ۷:۰۷:۱۱ مرده اعلام شد. ۱۱:۱۵ به بوگو لنون خبر دادند. دکتر استیون لین مدیر اورژانس بیمارستان به اطلاع لنون رساند که: «هیچ شاسی نداشت. برای به هوش آوردن همسران نتوانستیم هیچ کاری انجام دهیم. اولین گلوله او را کاشته بود. سینه‌اش را شکافته بود و جراحاتی جبران‌ناپذیر به یک شریان اصلی وارد کرده بوده. لنون تنها بود. در شوکی شدید.